

هو الله - رب يا قيوم الأرض والسماوات ومسخر الممكآت...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (102) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مكاتیب عبد البهائ، جلد 1، صفحه 411

هو الله

رب يا قيوم الأرض و السماوات و مسخر الممكآت و المحيط بكل الموجودات ترى عبادك المخلصين و ارقائك الموحدين كيف اجتمعوا على كلمة وحدانيتك و ثبتوا على أمرک و رسخوا في طاعتك و تعاونوا على اعلاء كلمتك و تعاضدوا في اشتهاؤ دينك و تظاهروا في اشراق أنوارک و الأسفار عن وجوه اسرارک و ظهور اشعتک الساطعه و مصابيح ملكوتک اللامعه أى رب زين محفلهم بانوار توحيدک و نور جمعهم بسراج تقديسک و طهر ساحتهم بفيض سحاب تنزيهک و ايد اركانهم بقوتک القاهرة على كل شىء و شدد بنيانهم بقدرتک الباهرة في كل شىء و اشدد ازهم و قو ظهرهم و يسر لهم أمرهم و اجعلهم معالم ذکرک و منابع ثنائک و مشاعل حبک و مطالع یرک و مهابط الهامک و مشارق عرفانک و مشاهد آثارک انک أنت الملك السلطان المقدر القدير

پاک یزدانا این جمع را شمع عالم کن و این انجن را گلزار و گلشن محفلش را روضه رضوان کن و مشرقش را مطلع انوار رحمن از نفحات مشکینش مشام عاکفین کوی دوست را معطر کن و از نسیم عنبرینش دلهای محرمان حریم مقصود را مفرح نفوس را در ظل جناح رحمت حفظ فرما و قلوب را در صون حمایت حضرت احدیتت جای ده تأییدات افق ابهیت ارزان کن و موهبت ملاً اعلایت شایان اگر چه کل طیور بی پر و بالیم لکن در حدائق امرت لانه و آشیانه داریم و بدرگاه احدیتت پناه آریم و از تو عون و مدد میطلبیم و یاری و یاورى جوئیم چون بخود نگریم خویش را از ذره کمتر و از پشه کھتر و پست تر یابیم و چون دریای بخشایش و عطای تو را بینیم ذرات را آفتاب انور بلکه روشنتر مشاهده کنیم ای بخشنده مهربان خطای این بی نوایان را بذیل عطا پیوش و جفای این مدهوشان را تبدیل فرما بجوهر وفا و عقل و هوش نفوس را همتی دیگر عطا فرما و شوری دیگر در سرها افکن تا عزت جاوید طلبند و لذائذ عالم جدید آهنگ عالم بالا کنند و افق اعلی جویند و بانجن کبریا پویند و از ملکوت ابهی فیض برند عالم ظللهانی نورانی شود و عرصه شیطانی ساحت رحمانی گردد خطه خاک فردوس برین گردد و گلخن فانی گلشن باقی شود توئی مقتدر و توانا و شنونده و بینا

(عع)



ORIGINAL